



۸۷/۱۱۰۵۲۰۳
۸۷/۱۱/۱۹



دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
در رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

بررسی جنبه های زیبایی شناسی تراجه های ملی ایران

استاد راهنما:

دکتر سید محمد ترابی

استاد مشاور:

دکتر حسن ذوالفقاری

نگارش:

لیلا احمدی

شهریور ۱۳۸۷

۹۸۷۷۷



۱۳۸۷ / ۷ / ۲۵

فرم گرده آوری اطلاعات پایان نامه ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

| | |
|--|--|
| عنوان: بررسی جنبه‌های زیبایی شناسی ترانه های ملی ایران | |
| نویسنده / محقق: لیلا احمدی | |
| مترجم: | |
| استاد راهنما: آقای دکتر سید مهدی ترابی / استاد مشاور: استاد داور: دکتر حسن ذوالفقاری / دکتر محمود بشیری | |
| کتابنامه: واژه نامه: | |
| نوع پایان نامه: <input type="checkbox"/> بنیادی <input type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی | |
| مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد / سال تحصیلی: ۱۳۸۵-۸۶ | |
| محل تحصیل: تهران / نام دانشگاه: علامه طباطبائی دانشکده: ادبیات فارسی / زبانهای خارجی: | |
| تعداد صفحات: ۲۴۷ / گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی | |
| کلید واژه ها به زبان فارسی: ادبیات عامه، شعر عامه، ترانه، تزییف، بومس برود، شعر حجابی | |
| کلید واژه ها به زبان انگلیسی: folk literature, poem folk, song, musical composition, hymn, syllabic poem. | |

چکیده

الف. موضوع و طرح مسأله (اهمیت موضوع و هدف):

پژوهش حاضر سعی دارد تا بخش کوچکی از میراث شفاهی ادبیات ایران را معرفی کند. و با پرداختن به ادبیات عامه و زیر مجموعه‌های آن (دویستی، رباعی، چیستان، لالایی، ترانه، تصنیف، بومی سرود و...) و بررسی مضامین و محتوای ترانه‌های ملی ایران درصدد پاسخ به این برآید که میان این آثار و آثار شفاهی قبل از اسلام چه ارتباطی برقرار است و میزان کاربرد بدیع لفظی و معنوی در تصنیف‌های پس از مشروطیت تا چه اندازه است؟ بی‌شک پرداختن به ترانه‌های ملی ایران، ما را به گنجینه‌ی سرشاری از میراث معنوی، آرمان‌ها و تفکرات بشری در طول تاریخ رهنمون می‌سازد.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چهارچوب نظری و پرسش‌ها و فرضیه‌ها:

فرضیه‌هایی که در این پژوهش مطرح است شامل: ۱. ترانه‌های ملی باقیمانده اشعار هجایی قبل از اسلام است. ۲. وزن ترانه‌های ملی هجایی ولی وزن تصنیف‌ها براساس ملودی آن است. در زمینه‌ی این پژوهش، اثری مجزاً و ویژه تاکنون به رشته‌ی تحریر درنیامده است و تنها مطالبی پراکنده در منابع مختلف موجود است.

پ. روش تحقیق:

روش تحقیق در این رساله، کتابخانه‌ای و مبتنی بر مطالعه‌ی دقیق اشعار، نمونه‌یابی، آمارگیری، استنباط و نقد و بررسی براساس مطالب استخراج شده است.

ت. یافته‌های تحقیق:

یافته‌های این پژوهش عبارتند از:

۱. ترانه‌های ملی دنباله‌ی اشعار هجایی قبل از اسلام است؛

۲. میان شعر و موسیقی از گذشته تاکنون پیوند ناگسستنی برقرار بوده است؛

۳. وزن ترانه‌های ملی هجایی است؛

۴. تصنیف‌ها و ترانه‌های ملی، در مورد استفاده از قافیه و ردیف از قاعده‌ی خاصی پیروی نمی‌کنند؛

۵. میزان کاربرد بدیع لفظی و معنوی در تصنیف‌ها بسیار پایین است.

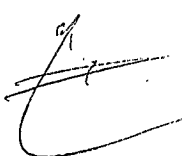
ث. نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

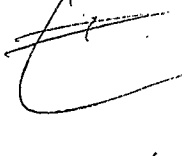
ترانه‌های ملی ایران به دلیل نشأت گرفتن از ذهن توده‌ی مردم، همواره ساده و عاری از تکلفات لفظی و معنوی است.

کلید واژه: ادبیات عامه، شعر عامه، ترانه، تصنیف، بومی سرود، شعر هجایی.

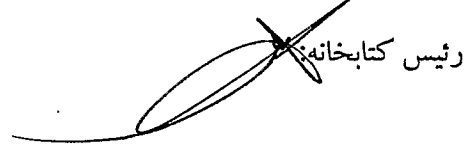
صحت اطلاعات مندرج در این فرم براساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی

می‌نمایم.

نام استاد راهنما: 

سمت علمی: 

نام دانشکده: 


رئیس کتابخانه

با سپاس فراوان از:

استاد بزرگوارم آقای دکتر سید محمد ترابی، استاد راهنمای این پایان نامه، چرا که بدون راهنمایی‌های فاضلانه و دلسوزانه ایشان امکان انجام این تحقیق میسر نبود؛ همچنین از استاد ارجمندم، آقای دکتر حسن ذوالفقاری، مشاور این پایان نامه، که با نکته‌یابی‌ها و اشارات عالمانه ایشان، زحمات بی‌دریغی در به ثمر نشستن این پژوهش کشیدند و حق استادی را بر من تمام کردند.

در پایان از استاد عزیزم خانم حمیرا سلیمانی تپه سری و همه عزیزانی که در این تحقیق لطف ایشان شامل حالم بوده تشکر می‌کنم.

تقدیم به:

پدرم؛

که اراده‌ی استوار

و همت بلندش

ایستادگی را به من آموخت؛ قامتش شکست تا زیر بار مشکلات خم نگردم.

مادرم؛

که صفای دلش؛

صبری اش

و نگاه مهربانش همواره آرام بخشم بود.

به کمرپشت؛

که زیستن در گستره‌ی پاک و صمیمی اش، عشق را از کودکی به من آموخت و به روح پاک

محمد عزیزم و...

فهرست مندرجات

| صفحه | عنوان |
|---------|------------------------------------|
| ۱..... | مقدمه..... |
| | فصل اول: کلیات |
| ۵..... | ۱. ادبیات عامّه..... |
| ۸..... | ۲. شعر عامّه و رسمی..... |
| ۱۰..... | ۳. شعر عامّه..... |
| ۱۱..... | ۴. تاریخچه‌ی پیدایش شعر عامّه..... |
| ۱۲..... | ۵. ارزش شعر عامّه..... |
| ۱۳..... | ۶. ویژگی شعر عامه..... |
| ۱۶..... | ۷. انواع شعر عامه..... |
| ۱۷..... | ۷-۱. دوبیتی (فهلویات)..... |
| ۱۹..... | ۷-۲. رباعی..... |
| ۲۱..... | ۷-۳. بحر طویل..... |
| ۲۴..... | ۷-۴. مثل..... |
| ۲۶..... | ۷-۵. چستان..... |
| ۲۹..... | ۷-۶. لالایی..... |
| ۳۱..... | ۷-۷. حراره..... |
| ۳۱..... | ۷-۸. ترانه..... |
| ۳۲..... | ۷-۹. تصنیف..... |
| ۳۲..... | ۷-۱۰. بومی سرودها..... |
| ۳۳..... | ۷-۱۰-۱. امیری..... |
| ۳۶..... | ۷-۱۰-۲. شرفشاهی..... |
| ۳۹..... | ۷-۱۰-۳. گورانی..... |
| ۴۱..... | ۷-۱۰-۴. شروه..... |

- ۴۳.....۷-۱۰-۵. بایاتی
- ۴۵.....۷-۱۰-۶. کله فریاد
- ۴۸.....۷-۱۰-۷. سه خشتی
- ۵۰.....۷-۱۰-۸. واسونک
- ۵۱.....۷-۱۰-۹. شربه
- ۵۳.....۷-۱۰-۱۰. لیکو

فصل دوم: (ترانه و مضامین آن)

- ۵۶.....۱. تعریف ترانه
- ۵۷.....۲. تاریخچه‌ی پیدایش ترانه
- ۶۰.....۳. ارزش ترانه
- ۶۰.....۴. مضمون و محتوای ترانه‌ها
- ۶۱.....۴-۱. ترانه‌های کار
- ۶۱.....۴-۱-۱. ترانه‌های چوپانی
- ۶۲.....۴-۱-۲. ترانه‌های کشاورزی
- ۶۴.....۴-۱-۳. ترانه‌های قالی‌بافی
- ۶۴.....۴-۱-۴. ترانه‌های چارپاداری
- ۶۵.....۴-۲. ترانه‌های زنان
- ۶۵.....۴-۲-۱. پوشش و آرایش زن
- ۶۶.....۴-۲-۲. ازدواج زنان
- ۶۷.....۴-۲-۳. مشاغل زنان
- ۶۸.....۴-۲-۴. مسائل سیاسی و اجتماعی
- ۶۹.....۴-۳. ترانه‌های سوگ
- ۶۹.....۴-۳-۱. ترانه‌های عزاداری برای بستگان و یاران
- ۷۱.....۴-۳-۲. ترانه‌های سوگ ملی
- ۷۲.....۴-۴. ترانه‌های سرور

- ۷۲..... ۴-۴-۱. ترانه‌های جشن‌های خصوصی
- ۷۴..... ۴-۴-۲. ترانه‌های جشن‌های ملی
- ۷۶..... ۴-۵. ترانه‌های سرگرمی
- ۷۶..... ۴-۵-۱. ترانه‌های بازی
- ۷۷..... ۴-۵-۲. چیستان و معما
- ۷۸..... ۴-۵-۳. ترانه‌های برش‌مردنی
- ۷۸..... ۴-۶. ترانه‌های کودک
- ۷۹..... ۴-۷. ترانه‌های عاشقانه
- ۸۱..... ۴-۸. ترانه‌های اجتماعی - سیاسی

فصل سوم: (تصنیف و تصنیف سرایان)

- ۸۵..... ۱. تعریف تصنیف
- ۸۶..... ۲. تاریخچه‌ی تصنیف
- ۹۳..... ۳. ویژگی تصنیف
- ۹۵..... ۴. شعر و موسیقی
- ۹۹..... ۵. تصنیف سرایان
- ۱۰۰..... ۵-۱. علی‌اکبر شیدا
- ۱۰۲..... ۵-۲. عارف قزوینی
- ۱۰۵..... ۵-۳. ملک‌الشعرا بهار
- ۱۰۸..... ۵-۴. رهی معیری
- ۱۱۰..... ۵-۵. معینی کرمانشاهی
- ۱۱۱..... ۵-۶. امیرجاهد
- ۱۱۳..... ۵-۷. بیژن ترقی
- ۱۱۴..... ۵-۸. توج نگهبان
- ۱۱۴..... ۵-۹. کریم فکور
- ۱۱۶..... ۵-۱۰. شهر آشوب

فصل چهارم: (زیبایی‌شناسی تصنیف)

۱. وزن ۱۱۹
- ۱-۱. وزن اشعار فارسی پیش از اسلام ۱۲۰
- ۱-۲. وزن شعر عامیانه (نظریه محققان) ۱۲۱
- ۱-۲-۱. محققان خارجی ۱۲۱
- ۱-۲-۲. ملک الشعرا بهار ۱۲۲
- ۱-۲-۳. محمد قزوینی ۱۲۲
- ۱-۲-۴. ادیب طوسی ۱۲۲
- ۱-۲-۵. شمس قیس رازی ۱۲۴
- ۱-۲-۶. خانلری ۱۲۴
- ۱-۲-۷. احسان طبری ۱۲۵
- ۱-۲-۸. وحیدیان کامیار ۱۲۵
- ۱-۲-۹. طیب‌زاده ۱۲۷
- ۱-۲-۱۰. دیگر محققان ۱۲۸
- ۱-۳. وزن تصنیف ۱۲۹
۲. قافیه و ردیف ۱۳۱
- ۲-۱. قافیه در شعر عامیانه فارسی ۱۳۲
- ۲-۲. قافیه در تصنیف ۱۳۱
- ۲-۲-۱. عیوب قافیه ۱۳۶
- ۲-۲-۲. قافیه‌ی درونی ۱۳۷
- ۲-۲-۳. مضمون قافیه ۱۳۸
- ۲-۲-۴. قافیه‌ی بدیعی ۱۳۸
- ۲-۲-۵. ذوقافیتین ۱۳۹
- ۲-۳. ردیف در شعر عامیانه‌ی فارسی ۱۳۹
- ۲-۴. ردیف در تصنیف ۱۴۱

۳. بدیع لفظی ۱۴۰
- ۳-۱. سجع ۱۴۱
- ۳-۲. موازنه ۱۴۱
- ۳-۳. ترصیع ۱۴۲
- ۳-۴. جناس تام ۱۴۲
- ۳-۵. جناس مرکب ۱۴۲
- ۳-۶. جناس مضارع ۱۴۲
- ۳-۷. جناس خط ۱۴۳
- ۳-۸. جناس ناقص ۱۴۳
- ۳-۹. جناس زاید ۱۴۳
- ۳-۱۰. تکرار یا واج آرایه ۱۴۳
- ۳-۱۱. هم صدایی ۱۴۴
- ۳-۱۲. تکرار هجا ۱۴۵
- ۳-۱۳. تکرار یا تکریر ۱۴۶
- ۳-۱۴. تصدیر ۱۴۶
۴. بدیع معنوی ۱۴۷
- ۴-۱. مراعات النظیر ۱۴۸
- ۴-۲. تضاد ۱۴۸
- ۴-۳. متناقض نما ۱۴۹
- ۴-۴. لف و نشر ۱۴۹
- ۴-۵. متتابع ۱۵۰
- ۴-۶. اعداد ۱۵۰
- ۴-۷. تنسیق الصفات ۱۵۰
- ۴-۸. تلمیح ۱۵۱
- ۴-۹. حسن تعلیل ۱۵۱

| | |
|----------|----------------------|
| ۱۵۱..... | ۴-۱۰. ارسال مثل..... |
| ۱۵۲..... | ۴-۱۱. مجاز..... |
| ۱۵۳..... | ۴-۱۲. تشبیه..... |
| ۱۵۶..... | ۴-۱۳. استعاره..... |
| ۱۵۷..... | ۴-۱۴. ایهام..... |
| ۱۵۹..... | ۴-۱۵. استخدام..... |
| ۱۵۹..... | ۴-۱۶. کنایه..... |

فصل پنجم: (نتیجه گیری

| | |
|----------|------------------|
| ۱۶۲..... | نتیجه پژوهش..... |
|----------|------------------|

پیوست ها:

| | |
|----------|--------------------|
| ۱۶۶..... | پیوست ۱..... |
| ۲۲۸..... | پیوست ۲..... |
| ۲۳۶..... | فهرست موضوعی..... |
| ۲۴۲..... | فهرست منابع..... |
| ۲۴۷..... | چکیده انگلیسی..... |

مقدمه:

تاریخ ادبیات هر قومی گنجینه‌ی سرشاری از میراث معنوی بشری و بیانگر آرمان‌ها و تفکرات متعالی آن هاست. در این میان دانش عوام (Folk-lore) که شاخه‌ای از علم مردم‌شناسی است به بررسی عقاید، افکار و شیوه‌ی زندگی مردم عامه می‌پردازد. ادبیات عامه نیز بخشی از دانش عوام است که شامل سه بخش ادبیات داستانی، ادبیات غیرداستانی و ادبیات نمایشی است. شعر عامه شامل آثار منظوم این سه بخش است که از گذشته تاکنون همزاد بشر بوده است. ارزش شعر عامه تا به اندازه‌ای است که سرچشمه‌ی بسیاری از آثار و افکار و اندیشه‌ها و تاریخ و فرهنگ گویای ملتی است که احساسات آنان به صورت دست‌نخورده از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است.

شعر عامه انواع گوناگونی دارد که شامل دوبیتی (فهلویات)، رباعی، چستان، بحر طویل، ترانه و... است. در میان انواع شعر عامه «ترانه» به شعر و سرودی گفته می‌شود که به صورت ریتمیک و همراه با ساز و آواز در میان توده‌ی مردم رواج دارد. با این تعریف می‌توان هر شعری را که در آن بار رسالت شعری برعهده‌ی موسیقی باشد ترانه نامید. تاریخچه‌ی دقیق ترانه‌های ملی به طور دقیق مشخص نیست، اما از گذشته تاکنون در بسیاری از آثار ایران باستان و دوره‌ی ساسانی این اشعار منظوم وجود داشته است. تصنیف که بخشی از ترانه‌های ملی است به شعری گفته می‌شود که با الهام و توجه به موسیقی سروده شده باشد و در آن میان موسیقی و کلام پیوندی برقرار باشد که فراتر از وزن و قافیه و ردیف و موسیقی شعر است.

بی‌شک پرداختن به ترانه‌های ملی و بررسی مضامین و انواع گوناگون و شناخت عوامل زیبایی آن، دریچه‌ی تازه‌ای از افکار، اندیشه‌ها و باورهای نسل‌های گذشته و توده‌ی مردم به روی ما می‌گشاید و بر اهمیت و ارزش این ترانه‌ها می‌افزاید و سبب توجه بیشتر به این نوع آثار توده می‌شود. در طول تاریخ ادبیات فارسی، همواره ترانه‌های ملی و آثار توده مورد کم‌لطفی قرار گرفته است و مجموعه‌ی مدون و کاملی وجود ندارد که به این موضوع پرداخته باشد. این پژوهش قصد دارد ابعاد گوناگون ترانه‌های ملی و به ویژه تصنیف‌های پس از مشروطیت را مورد بررسی قرار دهد و با بررسی هر یک از انواع ترانه‌های ملی و مضامین آن و جنبه‌های زیبایی‌شناسی به پرسش‌های زیر به عنوان محور اصلی پژوهش پاسخ دهد:

۱. میان ترانه‌های ملی و انواع آن و اشعار هجایی قبل از اسلام چه ارتباطی برقرار است؟

۲. موسیقی در این ترانه‌ها چه نقشی دارد و آیا همواره با این اشعار بوده است یا در تصنیف‌های پس از مشروطیت با شعر همراه شده است؟

۳. وزن ترانه‌های ملی و به ویژه تصنیف به چه شکلی است و آیا با وزن اشعار رسمی تفاوت دارد؟

۴. قافیه و ردیف در ترانه‌های ملی، دارای چه ویژگی‌هایی است و تفاوت آن با قافیه و ردیف در اشعار رسمی چیست؟

۵. میزان کاربرد انواع مختلف بدیع لفظی و معنوی در تصنیف‌ها چه اندازه است و آیا سراینده‌گان این ترانه‌ها، مکلف به استفاده‌ی از این صنایع بوده‌اند؟

در ارتباط با موضوع این پژوهش، تاکنون اثری مجزاً و ویژه به رشته‌ی تحریر درنیامده است و حتی در مورد وزن و قافیه‌ی این ترانه‌ها، نظر واحدی به عنوان مبنای کار ارائه نشده است. مشکل اساسی در این پژوهش، کمبود منابع به ویژه در زمینه‌ی تصنیف‌های پس از مشروطیت است که به طور علمی به آن پرداخته نشده است و تنها در برخی از آثار به طور پراکنده، مطالبی در ارتباط با ترانه‌های ملی و تصنیف وجود دارد که عبارتند از:

۱. پناهی سمنانی، محمد احمد؛ ترانه و ترانه سرایی در ایران: نویسنده در این کتاب در مورد خاستگاه ترانه و ارزش ادبی و ویژگی‌های فنی و هنری آن توضیح داده است و در بخشی از کتاب به بررسی برخی از مضامین ترانه پرداخته است. در این اثر، ترانه‌های برجسته‌ی بعضی از مناطق، با بررسی مضامین و محتوای آن ذکر شده است و منبع بسیار خوبی برای پژوهش‌های ادبیات بومی است.

۲. وحیدیان کامیار، تقی؛ بررسی وزن شعر عامیانه: در این اثر، نویسنده به بررسی وزن شعر عامیانه‌ی فارسی و نظریات محققان پرداخته است و در اثبات یا رد نظر هر یک دلیل و عقیده‌ی خود را ذکر کرده و در پایان نظر خود را با ذکر دلایل و مثال‌های گوناگون از شعر عامه بیان کرده است.

۳. طیب‌زاده، امید؛ تحلیل وزن شعر عامیانه‌ی فارسی: در این کتاب، طیب‌زاده همچون وحیدیان کامیار به بررسی نظریات محققان در مورد شعر عامیانه‌ی فارسی پرداخته و در پایان نظر خود را با ذکر مثال‌های گوناگون از شعر عامه و تقطیع آن بر مبنای وزن هجایی بیان کرده است.

۴. فاضل، سهراب؛ تصنیف سرایی در ادب فارسی: این اثر، یکی از معدود آثاری است که به تصنیف سرایی از دوره‌ی مشروطه به بعد پرداخته است. نویسنده‌ی این کتاب، به صورت کوتاه و فشرده به وزن و ردیف و قافیه در ترانه‌های ملی اشاره کرده است اما در تصنیف‌ها، آن را بررسی نکرده است و در

یک فصل به بررسی اهمیت موسیقی در ترانه و تصنیف پرداخته است که در زمینه‌ی تصنیف سرایی، اثر کاملی نیست.

فرضیه‌هایی که در این پژوهش مطرح می‌شود عبارتند از:

۱. ترانه‌های ملی، دنباله‌ی اشعار هجایی قبل از اسلام است و بسیاری از ویژگی‌های شعر قدیم ایران را با خود دارد؛

۲. وزن ترانه‌ها و اشعار عامه، همچون اشعار هجایی قبل از اسلام، بر مبنای وزن هجایی است؛

۳. قافیه و ردیف در این ترانه‌ها، با قافیه و ردیف در اشعار رسمی تفاوت دارد و ویژگی‌های منحصر به فرد خود را داراست؛

۴. میزان کاربرد بدیع لفظی و معنوی در ترانه‌ها، به ویژه تصنیف‌های بعد از مشروطیت در حد کمی است.

روش کار در این پژوهش، بر مبنای کیفی و تحلیل محتواست و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و در بخش پایانی به روش جمع‌آوری داده و بررسی آن‌هاست. مراحل کار در این پژوهش این گونه است که ابتدا در فصل اول به بیان مسأله و تعریف شعر عامه و بررسی انواع آن پرداخته خواهد شد. در فصل دوم تعریف ترانه و بررسی مضامین آن، در فصل سوم تعریف تصنیف و ارتباط آن با موسیقی و شرح حال تنی چند از تصنیف‌سرایان بررسی خواهد شد. در فصل چهارم ۱۰۰ تصنیف از دوره‌ی مشروطه به بعد، از نظر وزن و قافیه و بدیع لفظی و معنوی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و فصل پنجم به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

مبنای کار در فصل زیبایی‌شناسی تصنیف‌ها، با بررسی منابع مختلف از جمله، فنون بلاغت و صناعات ادبی همایی، زیبایی‌شناسی کزازی، موسیقی شعر شفيعی کدکئی، بدیع و بیان شمیسا براساس کار شمیسات.

فصل اول

کلیات

ادبیات عامه؛ شعر عامه و رسمی؛ شعر عامه؛ تاریخچه‌ی پیدایش شعر عامه؛ ارزش شعر عامه؛ ویژگی شعر عامه؛ انواع شعر عامه (دوییتی، رباعی، بحرطویل، متل، چیستان، لالایی، حراره، ترانه، تصنیف)، بومی سرود (امیری، شرفشاهی، گورانی، شروه، بایاتی، کله فریاد، سه خشتی، واسونک، شروه، لیکو).

۱. ادبیات عامه (Folk literature)

«نخستین بار آمبرواز مورتن Ambroise morton در ۱۸۸۵ میلادی آثار باستان و ادبیات توده را Folk-lore نامید، یعنی دانش عوام. در آلمان و هلند و کشورهای اسکاندیناو لغت volkskunde معادل آن را پذیرفتند؛ اما در کشورهای لاتینی زبان ابتدا مقاومت بیشتری نشان دادند و پس از کش مکش‌ها و وضع لغات دیگر، بالاخره، به این نتیجه رسیدند که فلکلر جامع‌ترین لغتی است که شامل تمام دانش عوام می‌شود.» (هدایت، فرهنگ عامه ایران ۲۳۳)

دانش عوام یا توده‌شناسی، شاخه‌ای از علم مردم‌شناسی است که به بررسی آداب و رسوم، عقاید و خرافات، افسانه‌ها، قصه‌ها، چیستان‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌ها و ترانه‌ها که از نسلی به نسل دیگر منتقل گشته، سینه به سینه به آیندگان رسیده، می‌پردازد. بررسی دقیق و موشکافانه‌ی مضامین و محتوای آنها، دریچه‌ی تازه‌ای به روی معیشت و زندگی، اخلاق و عواطف و احساسات مردم و خصایص جمعی و ملی یک قوم می‌گشاید.

«به موجب تعریف سن تیو (saint tyves) فلکلر به مطالعه‌ی زندگی توده‌ی عوام در کشورهای متمدن می‌پردازد؛ زیرا در مقابل ادبیات توده، فرهنگ رسمی و استادانه وجود دارد، به این معنی که مواد فلکلر در نزد مللی دریافت می‌شود که دارای دو پرورش باشند. یکی مربوط به طبقه‌ی تحصیل کرده و دیگری مربوط به طبقه عوام.» (همان)

در طول تاریخ گذشته، به این قبیل آثار (دانش توده) توجه زیادی نمی‌شد و همگان به چشم حقارت به آن می‌نگریستند و می‌توان گفت قرن نوزدهم، آغاز توجه جهانیان به فرهنگ و دانش توده و زیرشاخه‌های آن و مطالعه و بررسی آن است. از این قرن محققان، ترانه‌ها، افسانه‌ها، قصه‌ها و عقاید و رسوم و هر آنچه را زاینده‌ی ذهن توده‌ی بشر بود جمع‌آوری کردند. «در کشورهای اروپایی نخست دو

برادر از آلمان به نام «گریم» قصه‌های کشورهای اروپای شمالی را در مجموعه‌ای جمع‌آوری و منتشر کردند.» (آرین‌پور، از نیما تا روزگار ما ۴۴۵) و این نقطه آغازی در مطالعه این دانش بود که دیگر محققان اروپایی این کار را ادامه دادند.

در ایران، نخست خاورشناسان اروپایی به این دانش توجه نشان دادند و به بررسی فرهنگ و جمع‌آوری آثار توده ایران پرداختند. در این جا، به تنی چند از آنان اشاره می‌کنیم:

۱. کنت دوگوینو و آلکساندر خودسکو، نخستین کسانی بودند که تعزیه‌نامه‌های ایرانی را جمع‌آوری کردند؛

۲. شارل ویروگو، دانشمند فرانسوی که آثاری درباره‌ی تعزیه دارد؛

۳. ادوارد مونتاین، در سال ۱۸۹۰ در پاریس، کتابی به نام داستانهای ایرانی را منتشر کرد؛

۴. کریستن سن، دانشمند دانمارکی، در ۱۹۱۸، به انتشار مجموعه قصه‌های ایرانی پرداخت؛

۵. لوریمر، قصه‌های عامیانه‌ی کرمانی و بختیاری را به انگلیسی و آلمانی ترجمه و منتشر کرد؛

۶. هانری ماسه، خاورشناس و مورخ فرانسوی، در ۱۹۲۵ در پاریس، به انتشار و ترجمه قصه‌ها و

مثل‌های فارسی اقدام کرد؛

۷. ژوکوفسکی، خاورشناس روسی، به جمع‌آوری تصنیف‌های ایرانی اقدام کرد. (همان ۴۴۶-۴۴۷)

در ایران کمتر کتابی وجود داشت که به این مسأله بپردازد و تنها کتاب مستقلی که در این خصوص نوشته شد، کتاب معروف «کلثوم ننه»، تألیف آقاجمال خوانساری بود که به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شد (البته این کتاب معایبی نیز داشت که به خرافه‌پرستی می‌پرداخت).

بعد از مشروطیت، محققانی چون: دهخدا در امثال و حکم و چرند و پرند، جمال‌زاده در یکی بود یکی نبود، صادق هدایت در اوسانه، نیرنگستان و مقالات توده‌شناسی، کوهی کرمانی در هفتصد ترانه و چهارده افسانه، گامی تازه در معرفی فرهنگ و ادبیات توده‌ی ایرانی برداشتند و در سال‌های بعد فضل‌الله صبحی مهتدی، عابد عصمتی، امیرقلی امینی، ابوالقاسم انجوی شیرازی، صمد بهرنگی، احمد شاملو و دیگر محققان روش آن‌ها را ادامه دادند.

«امروزه فلکلر، توسعه شگفت‌آوری به هم رسانیده، ابتدا محققین فلکلر فقط ادبیات توده مانند: قصه‌ها، افسانه‌ها، آوازه‌ها، ترانه‌ها، مثل‌ها، معماها، متلک‌ها و غیره را جستجو می‌کردند، کم‌کم تمام سنت‌هایی که افواهاً آموخته می‌شود و آنچه مردمان در زندگی خارج از دبستان فرا می‌گیرند جزو آن

گردید. چندی بعد جستجوکنندگان اعتقادات و اوهام، پیشگویی راجع به وقت، نجوم، تاریخ طبیعی، طب و آنچه دانش توده نامیده می‌شد مانند گاهنامه، سنگ‌شناسی، جانورشناسی و داروهای را که عوام به کار می‌بردند به این علم افزودند.» (هدایت، فرهنگ عامیانه‌ی ایران ۲۳۴)

ادبیات عامه، بخشی از فولکلور و دانش مهم بشری است و شامل سه بخش ادبیات داستانی، ادبیات غیرداستانی و ادبیات نمایشی در قالب نظم و نثر است.

ادبیات داستانی، شامل قصه‌ها، افسانه‌های تاریخی، قهرمانی، عاشقانه، اخلاقی، تخیلی، رمزی، مذهبی و...؛ آثار **غیرداستانی**، شامل مثل‌ها، چیستان‌ها، ترانه‌ها، مثل‌ها، لالایی‌ها، لطیفه‌ها، دعاها و ... می‌باشد. **آثار نمایشی**، شامل تعزیه، شبیه‌خوانی، نقالی و سخنوری، نمایش عروسکی، نمایش تخت‌حوضی، نمایش زنانه (مانند مولودی) که اغلب منظوم و همراه با موسیقی ارائه می‌شود.

این بخش از فرهنگ عامه را، ادبیات شفاهی (oral literature)، هنر زبانی یا هنر کلامی (Folk verbal art) نیز نامیده‌اند. ادبیات شفاهی، در میان روستاییان به دلیل نوع زندگی و پیوندشان با طبیعت و خیال‌پردازی گسترش بیشتری یافته است و در حقیقت، این قشر تولیدکننده‌ی ادبیات شفاهی هستند.

ادبیات عامه میراث معنوی نسل‌های گذشته است که به آیندگان رسیده است. توده‌ی مردم، آرزوها، امیدها، کاستی‌ها، فراز و نشیب‌ها، اندوه‌ها و شادی‌ها، دلدادگی‌ها، دعاها و نفرین‌ها، باورها و ... را به شکل کوتاه و فشرده در این صورت‌های ادبی بازگو کرده و می‌کنند.

ادبیات عامه گذشته از جنبه‌ی سرگرمی آن، در آموزش و پرورش و انتقال پیام‌ها، آگاهی‌ها، تجربه‌ها و اندیشه‌های نسل‌های گذشته به نسل‌های آینده از نقش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «توده مردم به یاری ادبیات عامه، توانسته است بر اعتبار و ارزش نظام‌ها و نهادهای اجتماعی و عقیده‌های پذیرفته شده جامعه خود بیفزاید و فشارها و دردهای برخاسته از محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی و سختیها و نابرابری‌ها را بر خود هموار کند.» (میرهادی ۱۴۶).

زبان و نحوه‌ی ادبیات عامه، ساده و بی‌پیرایه است. در اغلب این آثار قاعده‌های شعری و بیانی رعایت نشده، حتی قافیه ندارد؛ در بعضی از انواع آن، متکلم حیوانات و جانورانی هستند که در نقش انسان رفتار می‌کنند؛ بعضی از قصه‌ها و افسانه‌ها، زبان و بیان رمزی یا نمادی دارند.

هر یک از گونه‌های ادبیات عامه، با توجه به شیوه‌ی بیان و محتوا و مضمون آن به گروه سنی معینی از توده‌ی مردم اختصاص دارد. بعضی از آن‌ها، مخصوص کودکان و بازی و لالایی و برخی با زمینه‌ی

نمایشی، در میان بزرگسالان و سالخوردگان کاربرد دارد؛ بخشی از آن‌ها، مضامین عاشقانه و قسمی رویدادهای واقعی و مسایل سیاسی-اجتماعی را بیان می‌کنند.

قصه‌ها، افسانه‌ها، ترانه‌ها و دیگر انواع ادبیات عامه، اغلب بازگوکننده‌ی واقعیت‌های آمیخته با خیال‌پردازی پدیدآورندگان آن‌هاست. در این آثار، به شیوه‌ی زندگی، وابستگی‌های فردی، ستیزه‌ها، صلح‌ها و آرمان‌هایی اشاره می‌شود که از ذهن و اندیشه‌ی ساده و قوه‌ی خیال‌پردازی، مایه می‌گیرد و در روح و جان شنونده، تأثیری عمیق برجای می‌گذارد. به گفته‌ی صادق هدایت «هنر و ادبیات توده به منزله‌ی مصالح اولیه بهترین شاهکارهای بشر به شمار می‌آید، بخصوص ادبیات و هنرهای زیبا و فلسفه و ادیان، مستقیماً از این سرچشمه سیراب شده و هنوز هم می‌شوند. این سرچشمه افکار توده ... گنجینه‌ی زوال‌ناپذیری است که شالوده‌ی آثار معنوی و کاخ باشکوه زیبایی‌های بشریت به شمار می‌آید.» (هدایت، فرهنگ عامیانه مردم ایران ۲۳۴)

۲. شعر عامه و رسمی

شعر فارسی بر دو گونه است: شعر رسمی، که شعر طبقه‌ی خاص و تحصیل کرده؛ شعر عامه که مخصوص طبقه‌ی توده و بی‌سواد است.

بعد از پیدایش خط و گسترش کتابت، خط شیوه‌ای برای بیان تخیلات و عواطف و اندیشه‌ها شد. کسانی که به خط و کتابت روی آورده بودند با پشتیبانی قدرت‌ها و ثروت خود، ادبیات رسمی را ترویج کردند و امکانات خواندن و نوشتن را در انحصار طبقه‌ی خود قرار دادند و در کنار آن مردم عادی نیز از پای‌نشدند، همچون گذشته مسائل را به شیوه‌ی آباء و اجدادی خود حفظ نمودند.

نگرش گذشتگان نسبت به هنر و شعر عوام، نگرش منفی بوده است. تعریفی که قدما از شعر به دست می‌دهند این است: «دانش و ادراک است و سخن اندیشیده و دارای ترتیب معنوی موزون متکرر متساوی که حروف آخر آن به هم شبیه باشد» (شمس قیس ۱۹۶) بنابر این تعریف، از دیدگاه آنان ادب عامه-نمی‌توانست در قلمرو ادب رسمی جایی داشته باشد و آن را زبان «فاسد» می‌دانستند.

آثار تاریخ ادبیات ما، صحنه‌ی جدال ادب رسمی و عامه است. اغلب شاعران و نویسندگان از ادب عامه بیزار می‌جستند. به گفته‌ی ملک‌الشعرا بهار (بهار و ادب فارسی ۱۳۱) «اساتید شعر دری یا شعرای خراسان، به هیچ‌وجه گرد فلهویات نمی‌گشتند و از آن دوری می‌کردند.»